



اعمال مجازات‌های کیفری و اداری به مثابه ابزار مدیریت منابع آب (مطالعه موردی آبیاری نوین دشت سیستان)

سعید گوهری*

سید حسین حسینی**

عبدالرضا جوان جعفری بجنوردی***

چکیده

مجازات انعکاس‌یافته در آرای قضایی، یکی از ابزارهای حکمرانی دولت در زمینه صیانت و مدیریت منابع آب در طرح آبیاری نوین دشت بحران‌زده سیستان به شمار می‌رود. در این راستا، تبیین و تحلیل رویکرد فلسفی نهاد مجازات، نقاط قوت و ضعف عملکرد دستگاه قضایی را در زمینه مقابله با جرایم آبی به وضوح نمایان می‌سازد. نتایج این بررسی که با روش تحلیل توصیفی - تحلیلی صورت پذیرفته است، حکایت از آن دارد که برخی محاکم، رویکرد فایده‌گرایی و برخی دیگر، رویکرد سزاگرایی را در مجازات‌های تعیین‌شده ملاک عمل قرار داده‌اند. با این حال، پی‌آمد این دوگانگی در رویکرد فلسفی، سیاست‌های دستگاه عدالت در صیانت از منابع آب را ناکارآمد جلوه داده است. از سوی دیگر، دادرسی اداری در حوزه آب از مباحث جدید در حقوق دادرسی اداری به شمار می‌رود و دادرسی اداری نیز در مقام تصمیم‌گیری باید به بحران‌های موجود در حوزه آب توجه کند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که به هر میزان، کیفرهای تعیین‌شده با انتظارات عمومی جامعه محلی و ظرفیت فرهنگ سازش و مصالحه در عرصه حل و فصل اختلافات میان ذی‌نفعان منابع آبی در این طرح، در کنار توجه به ظرفیت آموزه‌های دینی توجه کم‌تری داشته باشد، به ناکارآمدی مجازات در جرایم آبی منجر خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: جرایم آبی، فلسفه پی‌آمدگرایی، فلسفه سزاگرایی، پیش‌گیری از جرایم آبی.

*. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. sagohari64@gmail.com

** . دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)

shosseini@um.ac.ir

javan-j@um.ac.ir

***. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.

مقدمه

در طول تاریخ، مشکل کم‌آبی در سرزمین خشک و نیمه‌خشک ایران، ملاحظات و محدودیت‌هایی برای ساکنانش در پی داشته است. ایران در قلب منطقه خشک خاورمیانه قرار دارد که این منطقه حدود ۱۴ درصد از مساحت کره زمین را دربرگرفته است، اما با دارا بودن تنها ۲ درصد از کل بارش جهان، بحرانی‌ترین منطقه جهان از نظر منابع آب محسوب می‌شود. پیش‌بینی می‌گردد که در دهه‌های آینده، به دلایلی از جمله افزایش جمعیت، تغییر اقلیم و پایان یافتن ذخایر آب زیرزمینی، وضعیت در این منطقه به مراتب، وخیم‌تر شود.^۱

در سال‌های اخیر، پی‌آمدهای بحران کم‌آبی در حوزه دشت سیستان در ایران موجب بروز مشکلات عدیده از جمله معضلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست‌محیطی در سطح منطقه شده است. بدون تردید، یکی از مهم‌ترین علل آسیب‌پذیری این دشت، به وابستگی منابع تأمین آب این منطقه به منابع آب رودخانه هیرمند بازمی‌گردد که خاستگاه آن در خارج از مرزهای جغرافیای سیاسی ایران یعنی کشور افغانستان است.^۲

با این حال، خشک‌سالی که از سال ۱۳۷۶ آغاز شده و در ۵۰ سال اخیر بی‌سابقه بوده، تأثیری مخرب و نامطلوب بر اکوسیستم گیاهی و جانوری منطقه به جا گذاشته است.^۳ از طرفی، باید به این نکته اشاره کرد که بحران کمبود آب در سیستان فقط به مرزهای داخلی ایران مربوط نمی‌شود؛ چون تالاب بین‌المللی هامون، یکی از زیستگاه‌های طبیعی مهم جهان به شمار می‌رود و در این دشت قرار دارد. بنابراین، اراده جامعه جهانی برای تأمین حق‌آبه این دشت با هدف حفاظت از آن، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به شمار می‌رود.

دسترسی به آب سالم به عنوان یک حق انسانی در سطح جهان شناخته شده است، به طوری که در سال ۲۰۰۲، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نشست بیست و نهم کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ضمن پذیرش حقوق آب به عنوان یکی از اساسی‌ترین مقوله‌های حقوق بشر اظهار داشت که کشورهای عضو باید اقدامات مؤثری انجام دهند تا بدون تبعیض، حقوق آب را تحقق بخشند.^۴

۱. وحید، مجید و محسن رنجبر، «آسیب‌شناسی بعد سیاسی حکمرانی آب در ایران»، فصل‌نامه سیاست‌گذاری عمومی، دوره چهارم، ۱۳۹۷، شماره ۴، ص ۲۵.

2-On SiStan rural & strategies to cope with", 1377-Biek Mohammadi, H. & H. Noori, "Droughts effects Between 83 Geographics and Development Journal, 2007, No. 40, p. 63

۳. قنبری، احمد، علی‌رضا کرباسی، احمد احمدیان و حسین قاسمی، «نگرشی بر مدیریت بحران آب در سیستان»، کنفرانس بین‌المللی بحران آب، ۱۳۸۷، ص ۲۵۳.

۴. حسینی، سید حسین و حسن یوسفی، «درآمدی بر حمایت کیفی از حقوق آب»، فصل‌نامه آب و توسعه پایدار، دوره پنجم، ۱۳۹۷، شماره ۱، ص ۳۲.

طرح آبیاری نوین مدیریت بهره‌برداری آب در بخش کشاورزی که از آن به طرح ۴۶ هزار هکتاری دشت سیستان یاد می‌شود، راهبردی حاکمیتی برای مدیریت بهینه منابع آب در این منطقه محسوب می‌گردد. این طرح در سطح ۴۶ هزار هکتار و با مبلغ پانصد میلیون دلار مصوب شد و در اواخر سال ۱۳۹۳، مبادله موافقت‌نامه آن انجام گردید. این طرح به دنبال جلوگیری از مهاجرت ساکنان منطقه و پی‌آمدهای ناگوار اجتماعی و سیاسی آن بر کل کشور، حفظ و پایداری سیستان به عنوان منطقه استراتژیک در جغرافیای امنیتی کشور، احیای کشاورزی قابل برنامه‌ریزی و اسکان رضایت‌مندان مردم، حفظ و تثبیت اکوسیستم طبیعی و انسانی دشت سیستان، بهره‌وری هوشمندانه و بهینه از منابع پایه تولید و تبدیل منطقه به قطب تولید محصولات کشاورزی و تولید برای منطقه و کشور و حل مشکل اشتغال شرق کشور و درآمد ساکنان است.^۱

با این حال، تعارض منافع شخصی، مدیریت نامناسب در بخش حق‌آبه، متناسب با عرف و آداب منطقه و همچنین وجود قوانین مبهم و انطباق نداشتن مقررات با شرایط بحران آبی کشور که در ادامه به آن پرداخته می‌شود، زمینه بروز رفتارهای مجرمانه علیه منابع آب را در این طرح و اراضی حوزه دشت سیستان فراهم ساخته است.

از این رو، تمسک به ظرفیت مجازات در واکنش به جرایم آب به عنوان یکی از ابزارهای حاکمیتی برای تحقق مدیریت بهینه و صیانت از این منابع آبی در این طرح، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به شمار می‌رود. دستگاه عدالت کیفری از طریق نهاد مجازات ضمن تأکید بر اهمیت هنجارهای رسمی در این حوزه، در آموزش و جهت‌دهی به عملکرد اجتماع برای رعایت مقررات آبی در این طرح نقشی بی‌بدیل دارد. به همین دلیل، تحقق این امر نیازمند ریل‌گذاری مناسب در راستای تعیین راهبردهایی کارآمد در تمامی ابعاد ناظر بر نهاد مجازات در زمینه جرایم آب به ویژه شناسایی مناسب‌ترین رویکرد فلسفی مجازات در این حوزه است. انعکاس مجازات در قالب آرای قضایی، بازتاب مبانی علمی و تفکر حاکم بر محاکم قضایی در حوزه صیانت و مدیریت منابع آب با بهره‌گیری از ظرفیت فنی و علمی نهاد مجازات تلقی می‌شود. بنابراین، بررسی تحولات گفتمان‌های حاکم درباره مبانی فلسفه کیفر که نمودهای مختلفی دارد و گاه هنگام سیاست‌گذاری کیفری و گاهی هنگام تعیین واکنش در برابر جرم جلوه‌گر می‌شوند،^۲ یکی از ملزومات اساسی برای تعیین معیار مناسب قضایی در مقوله فلسفه مجازات کارآمد در عرصه جرایم آب محسوب می‌شود. تفاوت در اهدافی که هر یک از

۱. مهندسین مشاور آب‌کاوش سرزمین، طرح آبیاری نوین دشت سیستان (رویکرد اجتماعی طرح)، تهران: معاونت آب و خاک وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۹۸، ص ۳۶.

۲. جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا و زهرا فرهادی آلاشتی، «تأملی بر خوانش فیلسوفان اصالت فایده از بازدارندگی کیفر مرگ»، مجلس و راهبرد، دوره بیست و ششم، ۱۳۹۸، شماره ۱۰۰، ص ۹۸.

محاکم از اعمال مجازات در جوامع و زمان‌های مختلف دنبال می‌کنند،^۱ می‌تواند سبب تنزل در کارآمدی مجازات برای کنترل جرایم آبی گردد. به این ترتیب، شناخت مناسب‌ترین رویکرد فلسفی مجازات درباره جرایم آبی به درک روشن عملکرد مقامات قضایی از میان تحلیل آرای صادرشده در این مقوله نیازمند است.

علاوه بر رویکرد کیفری نسبت به جرایم آب از دیدگاه حقوق عمومی نیز دادرسی اداری به صورت خاص در نظام حقوقی ایران پیش‌بینی شده است. بر این اساس، در نظام حقوقی ایران در کنار مراجع قضایی، نهادهایی با عنوان «مراجع شبه قضایی» یا «دادگاه‌های اختصاصی اداری» پیش‌بینی شده‌اند که متولی انجام عمل شبه قضایی‌اند^۲ که عبارتند از: کمیسیون رسیدگی به امور آب‌های زیرزمینی و کمیسیون رسیدگی به صدور پروانه‌ها. قانون اساسی ایران، حاوی اصولی است که به طور مستقیم و غیر مستقیم به حفاظت از محیط زیست مربوط می‌شود یا برای حفاظت از آن قابل استفاده و استناد است. نگاهی به سابقه قضایی ایران نشان می‌دهد که متأسفانه قوه قضاییه با این‌که از سازوکار قانونی لازم و مناسب برای حمایت و حفاظت از محیط زیست برخوردار است، تاکنون نتوانسته است نقشی قابل قبول در این زمینه ایفا کند.^۳

به این ترتیب، مطالعه حاضر، تلاشی است برای شناسایی رویکردهای عملی نهادهای دادرسی اداری در حوزه آب و نیز محاکم سیستان در زمینه فلسفه مجازات درباره جرایم آب در دشت سیستان. علاوه بر این، به دنبال شناسایی علل ناکارآمدی مجازات در این حوزه و پیشنهاددهی راهکارهای مناسب برای کاهش جرایم آب است.

گفتار اول. مبانی نظری و مفهوم‌شناسی

برای آشنایی با کلیات و مبانی نظری در این گفتار به تعریف اصطلاحات اساسی این پژوهش می‌پردازیم.

۱. مرادی، فرزانه، سید حسین هاشمی، سید محمود میرخلیلی و شهرداد دارابی، «نقش مجازات در پیش‌گیری از جرم بهره‌برداری غیر مجاز از منابع آب زیرزمینی»، مجله آب و فاضلاب، دوره سی‌ام، ۱۳۹۸، شماره ۳، ص ۵۲.

۲. امامی، محمد و سید نصرالله موسوی، «مبانی نظری مراجع شبه قضایی و جایگاه آن‌ها در حقوق ایران»، مجله مطالعات حقوقی شیراز، دوره بیست و یکم، ۱۳۸۳، شماره ۴۱.

۳. ارشدی، محمدیار، «نقش قوه قضاییه هند در حفاظت از محیط زیست»، مجله مدرّس علوم انسانی، دوره نهم، ۱۳۸۴، شماره ۳، ص ۴.

بند اول. دادرسی اداری و کیفری در حوزه آب و مراجع صالح

در برداشت کلاسیک، هدف آیین دادرسی کیفری به این دلیل، عینی خوانده می‌شود که در آن جا فقط عمل جنایی و قابلیت انتساب آن به فرد مطرح است. در این دورنما، مسئله‌ای که این برداشت در پی حل آن است، تضاد بنیادی میان منافع فرد و جامعه است. حمایت از منافع جمع، مستلزم کیفر سریع و حتمی همه جرم‌هاست. از نظر فنی، الگویی از نظام آیین دادرسی کیفری که با این هدف منطبق باشد، الگوی تفتیشی است. به عکس، منافع فرد اقتضا می‌کند که بررسی بی‌طرفانه و ژرف در مورد مجرمیت احتمالی صورت پذیرد، به گونه‌ای که از رخ ندادن پی‌گرد، تحقیق و محکومیت برای جرمی ارتکاب‌نیافته بتوان اطمینان یافت. دستیابی به این مهم از نگاه فنی در نظام دادرسی اتهامی امکان‌پذیر است.^۱

تا مدت‌های طولانی، سازش میان دو منفعت عمومی و خصوصی با توسل به صورت آیین‌های شکل‌گرفته درباره یافتن واقعیت به منزله دلیل جرم و مجرمیت فرد، مشکل اصلی آیین دادرسی کیفری بود.^۲ در نظام حقوقی فرانسه، تبیین مفهوم دادرسی اداری به راحتی صورت می‌پذیرد و منظور از آن، آیین رسیدگی در دادگاه‌های اداری زیرمجموعه قوه مجریه است.^۳

دادرسی اداری، رسیدگی به شکایت افراد از دستگاه‌های دولتی و اداری از نظر رعایت نشدن قوانین و مقررات و نقض حقوق و آزادی‌های اشخاص است و دعوایی میان اداره و شهروند است. بنابراین، در تضمین حق‌ها و آزادی‌های شهروندان و جلوگیری از خودسری دستگاه‌ها و مقامات اداری جایگاهی ویژه دارد. هدف از دادرسی اداری، حاکم ساختن قانون بر دستگاه‌های اداری، جلوگیری از خودسری مقام‌های اداری و حفظ حقوق شهروندان است.^۴ موضوع دادرسی اداری، اعمال اداری است. منظور از اعمال اداری، اعمالی است که به صورت مستقیم، به دست دولت یا زیر نظر آن با هدف حفظ نظم عمومی و تأمین منافع عمومی انجام می‌شود. بنابراین، هر گاه شهروند، مدعی نقض حقوق و آزادی‌های خود به

۱. نک: آشوری، محمد، *آیین دادرسی کیفری (جلد ۱)*، تهران: سمت، چاپ دهم، ۱۳۸۳.

۲. نک: گسن، رمون، «ملاحظه‌هایی درباره هدف آیین دادرسی کیفری»، ترجمه: شهرام ابراهیمی، مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۸۵، شماره ۵۶.

۳. نک: روزه، پرو، *نهادهای قضایی فرانسه*، ترجمه: شهرام ابراهیمی، عباس تدین و غلام‌حسین کوشکی، تهران: سلسبیل، ۱۳۸۲.

۴. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، *حقوق اداری*، تهران: سمت، ۱۳۸۷، ص ۴۸.

موجب تصمیم‌ها و اقدامات اداری باشد، با توسل به دادرسی اداری تحت حاکمیت حقوق عمومی، این امکان برای وی میسر می‌شود که به ادعای وی به طور منصفانه رسیدگی صورت گیرد.^۱

اصطلاح «دادرسی اداری» در ادبیات حقوقی ایران و به صورت خاص، حقوق اداری، جدید است و در قوانین و مقررات سابقه ندارد. با تأسیس و استقرار دیوان عدالت اداری در ایران، برخی نویسندگان به این نوع دادرسی نیز پرداخته‌اند. آنان، آیین دادرسی اداری را «مجموعه اصول و قواعدی می‌دانند که شاکی در مقام طرح شکایت در مراجع اداری و طرف شکایت در مقام پاسخ به شکایت و مراجع اداری در مقام رسیدگی و صدور رأی و اجرای آن باید رعایت کنند.» برخی دیگر نیز رسیدگی در دیوان عدالت اداری و دادگاه‌های اختصاصی اداری را دادرسی اداری محسوب کرده‌اند.^۲

برابر اصل ۱۵۹ قانون اساسی، مرجع رسمی تظلمات و شکایات در حوزه حقوق آب، دادگستری است. با این حال، بنا به ملاحظات و محذورات و مشکلات قضایی، نظیر کمبود امکانات لازم و مناسب برای رسیدگی به انبوه اختلافات و شکایت و نیز قضا‌دایی و کیفر‌دایی و تخصصی‌سازی موضوع که در صلاحیت این مراجع قرار دارد و از سوی دیگر، حل سریع اختلافات و فوری بودن رسیدگی را می‌توان از دلایل ایجاد مراجع غیر قضایی دولتی دانست که مراجع شبه قضایی نیز نامیده می‌شوند.

هنگامی که قانون‌گذاران کیفری، از رهگذر راهبرد پیشروی نتوانستند از دامنه جرایم ارتكابی بکاهند، به راهبرد پسروی یا عقب‌نشینی حقوقی کیفری متوسل شدند. آنان از جرم‌انگاری دست برداشتند و به ابزارهای جرم‌دایی، کیفر‌دایی و قضا‌دایی زیست‌محیطی تمسک جستند. از جمله دلایل و مبانی جرم‌دایی زیست‌محیطی، صرف نظر از عواقب زیان‌بار آن در حوزه محیط زیست، تورم کیفری و کاهش بار کیفر از سوی مقام‌های قضایی است.^۳

بند دوم. حکمرانی آب

منظور از واژه «حکمرانی»، تأکید بر تدبیر خردمندانه امور است، به گونه‌ای که منجر به نتایج مطلوب شود. از نظر آبرو، حکمرانی به معنای مدیریت جامعه به وسیله مردم است.

۱. ابوالحمد، عبدالحمید، **حقوق اداری: سازمان‌های اداری ایران (جلد ۱)**، تهران: دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۵۱، ص ۶.

۲. نک: هداوند، مهدی و مسلم آقایی طوق، **دادگاه‌های اختصاصی اداری**، تهران: خرسندی، ۱۳۸۹.

۳. محسن‌زاده، احمد و نادر ساعد، **حقوق محیط زیست: نظریه‌ها و رویه‌ها**، تهران: خرسندی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۵.

حکمرانی، نظامی پیچیده از تعاملات بین ساختارها، سنت‌ها و کارکردها و فرآیندهاست که به وسیله سه ارزش کلیدی یعنی پاسخ‌گویی، شفافیت و مشارکت مشخص می‌شود.^۱ حکمرانی آب به کلیت نظام‌هایی اطلاق می‌شود که در تصمیم‌گیری درباره توسعه و مدیریت منابع آب دخیل هستند. در واقع، حکمرانی آب، مفهومی کامل‌تر از حکومت است که بر روابط بین جامعه و دولت تأکید می‌کند. هم‌چنین این مفهوم به معنای سیاست‌گذاری و مدیریت منابع آبی است که به گونه‌ای از نظر اجتماعی پذیرفته شده باشد و هدف آن، توسعه پایدار، کاربرد صحیح منابع آبی و اجرای این سیاست‌ها با همکاری مؤثر ذی‌نفعان و کنشگران درگیر در این فرآیند است.^۲

حکمرانی آب عبارت است از نظام‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و اداری که متصدی هستند و مستقیم و غیر مستقیم بر بهره‌برداری، توسعه و مدیریت منابع آب و خدمات‌رسانی آب در سطوح مختلف جامعه اثر می‌گذارند. دو رویکرد اصلی حول محور «حکمرانی آب» وجود دارد. رویکرد نخست، حکمرانی آب را مجموعه‌ای از ابزارها می‌داند که هدف از آن‌ها، ارتقای کارآمدی، برابری و اثربخشی مدیریت آب است. این رویکرد را گاهی «حکمرانی خوب» هم می‌نامند. در این رویکرد، حکمرانی، ابزاری است که باید طراحی کرد تا به نتایج مشخصی رسید. در رویکرد دوم، حکمرانی، ناظر بر تحلیل فرآیندهای تصمیم‌گیری مناقشه‌برانگیز است.^۳

اصول حکمرانی خوب آب شامل شفافیت، مشارکت عمومی، مسئولیت‌پذیری، قانون‌مداری، کارآمدی، کارایی و انسجام است. در مورد بررسی بهره‌وری آب در کشور و نقش حکمرانی این ماده حیاتی، ابهام‌های زیادی مطرح است. نظام‌های اجتماعی و سازوکارهایی که بر چرخه آب اثر دارند، فراتر از مدیریت آب هستند و موضوع بحران آب را باید در چارچوب نهادها و نظام‌های اجتماعی بررسی کرد.^۴

۱. نک: معمارزاده، غلام‌رضا، جواد جاسبی و ندا نفری، «حکمرانی خوب: اکولوژی متعادل»، مجله آینده‌پژوهی مدیریت، دوره بیست و یکم، ۱۳۸۹، شماره ۱.

۲. نک: سالاری، فاطمه، مهدی قربانی و آرش ملکیان، «پایش اجتماعی شبکه ذی‌نفعان در حکمرانی محلی منابع آب (منطقه مورد مطالعه: حوضه آب خیز رزین، شهرستان کرمانشاه)»، نشریه مرتع و آب‌خیزداری، دوره شصت و هشتم، ۱۳۹۴، شماره ۲.

۳. نک: عسکری بزایه، فاطمه، «حکمرانی آب: مروری بر مفاهیم، چالش‌ها، ابزارها و تدابیر نهادی»، نشریه مدیریت آب در کشاورزی، ۱۳۹۵، شماره ۱.

۴. قائمی، آلاله، مریم لاریجانی، سید محمد شبیری و محمدرضا سرمدی، «ارائه مدل مفهومی حکمرانی پایدار در مدیریت به هم پیوسته منابع آب کشور با تأکید بر آموزش و ظرفیت‌سازی»، مجله آب و فاضلاب، دوره بیست و هشتم، ۱۳۹۶، شماره ۴، ص ۲۵.

برنامه حکمرانی آب در ایران با نارسایی‌هایی مانند غفلت از مدیریت تقاضا، بی‌توجهی به ارزش ذاتی آب، نبود جامع‌نگری در مطالعات و بی‌توجهی به مشارکت مردم روبه‌روست. نبود اراده در سیاست‌گذاری و عزم جدی در نهادهای قانون‌گذاری و اجرایی، بر تحقق اهداف برنامه‌های حکمرانی آب اثری تعیین‌کننده دارد.^۱

گفتار دوم. دادرسی اداری در حوزه آب

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تدوین قانون اساسی در سال ۱۳۵۸، اصل چهل و پنجم قانون اساسی، آب‌ها، دریاها و دریاچه‌ها را از مصادیق مهم انفال و ثروت‌های عمومی قلمداد کرد و زمینه حکومت رژیم حقوق عمومی بر منابع آب را فراهم آورد. در کنار قانون اساسی، موضوعات مهمی هم‌چون تأمین امنیت آب، توسعه پایدار، مدیریت یک‌پارچه آب، تعارض مالکیت خصوصی و منافع عمومی، ناکارآمدی نظام بازار و خصوصی‌سازی آب، از جمله دلایلی به شمار می‌روند که ضرورت مداخله دولت و نظام حقوق عمومی را در حوزه آب اثبات می‌کند.^۲

بند اول. کمیسیون رسیدگی به امور آب‌های زیرزمینی

براساس تبصره ماده ۳ قانون توزیع عادلانه آب، مصوب ۱۳۶۱، چنان‌چه وزارت نیرو، هر یک از چاه‌های موضوع این قانون را حداقل طبق نظر دو کارشناس خود، برای مصالح عمومی، زیان‌بار تشخیص می‌داد، چاه بدون پرداخت هیچ‌گونه خسارتی مسدود می‌گردید و بهره‌برداری از آن ممنوع و با متخلفان طبق ماده ۴۵ این قانون رفتار می‌شد. با وضع قانون الحاق یک ماده به قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین، مصوب ۱۳۸۴/۴/۱۲، وزارت نیرو موظف شد وضعیت چاه‌های بدون پروانه حفرشده در مناطق ممنوعه، قبل از تصویب قانون توزیع عادلانه آب، موضوع تبصره ذیل ماده ۳ قانون یادشده را تا پایان سال ۱۳۸۴ تعیین تکلیف کند. با انقضای این مهلت، تبصره ذیل ماده ۳ قانون توزیع عادلانه آب لغو شد. همان طوری که در ماده ۱۴ آیین‌نامه اجرای قانون الحاق یک ماده به قانون وصول برخی درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین تأکید شده است، از ابتدای سال ۱۳۸۵، چاه‌های موجود که بدون دریافت مجوز حفر شده‌اند، غیر مجاز تلقی گردید.

۱. عرب‌پور، امیرحسین، «ارائه الگوی حکمرانی آب مبتنی بر بازاریابی اجتماعی در راستای تغییر رفتار مصرفی آب»، فصل‌نامه مجلس و راهبرد، سال بیست و هشتم، ۱۳۹۲، شماره ۱۰۶، ص ۱۰۵.
۲. نک: فریادی، مسعود، «نقش حقوق عمومی در کنترل مصرف آب»، فصل‌نامه مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره دهم، ۱۳۹۷، شماره ۱.

با تدوین قانون تعیین تکلیف چاه‌های آب فاقد پروانه بهره‌برداری، مصوب ۱۳۸۹/۴/۱۳، این موضوع به بوته فراموشی سپرده شد؛ زیرا بر اساس ماده واحده قانون یادشده، نه تنها چاه مسدود نمی‌شد، بلکه وزارت نیرو مکلف بود تا دو سال تمام پس از ابلاغ این قانون و برای همه چاه‌های آب کشاورزی فعال بدون پروانه که در دشت‌های کشور قبل از پایان سال ۱۳۸۵ حفر و شناسایی شده‌اند، پروانه بهره‌برداری صادر کند.^۱

الف. حدود صلاحیت و اختیارات کمیسیون

برابر قانون تعیین تکلیف چاه‌های آب فاقد پروانه بهره‌برداری، حدود صلاحیت و اختیارات کمیسیون رسیدگی به امور آب‌های زیرزمینی شامل موارد زیر است:

۱. رسیدگی به اختلافات ناشی از اجرای قانون تعیین تکلیف؛
 ۲. بررسی شکایات اشخاص علیه دولت در حدود وظایف و اختیارات موضوع رسیدگی کمیسیون؛
 ۳. رسیدگی به کلیه دعاوی اشخاص علیه دولت مطروحه در محاکم عمومی که برای اتخاذ تصمیم به این کمیسیون احاله شده است؛
 ۴. رسیدگی به اعتراض مالکان دستگاه‌های حفاری در خصوص مجوز فعالیت و کارت تردد؛
 ۵. رسیدگی به اعتراض مالکان در خصوص توقیف دستگاه‌های حفاری مختلف.^۲
- اشاره به چند نکته مهم و کلیدی در خصوص صلاحیت‌های کمیسیون ضروری است. اولین نکته‌ای که باید متذکر شد، این است که کمیسیون رسیدگی به امور آب‌های زیرزمینی، یک واحد شبه قضایی است که فقط می‌تواند ماهیت پرونده را بررسی و رأی کمیسیون صدور پروانه را تأیید یا نقض کند. با این حال، نمی‌تواند حکم کیفری متناسب جرم افراد خاطی صادر کند.^۳

ب. ترتیب رسیدگی در کمیسیون

رسیدگی در این مرجع شبه قضایی یک‌مرحله‌ای است. برای رسیدگی به درخواست متقاضیان برای طرح در کمیسیون لازم است شاکی ابتدا شکایت خود را به صورت مستقیم یا از سوی نماینده قانونی، با رعایت ترتیبات مقرر تسلیم دبیرخانه کمیسیون کند. دبیرخانه

۱. نک: رشیدی جهان‌آباد، رشید، مراجع شبه قضایی، تهران: مجد، ۱۳۹۵.

۲. نک: ویژه، محمدرضا و مسلم میری، «ادارسی آب در کمیسیون رسیدگی به امور آب‌های زیرزمینی:

چالش‌ها و راهکارها»، مجله مطالعات حقوق انرژی، دوره سوم، ۱۳۹۶، شماره ۱.

۳. نک: بخشی جهرمی و همکاران، «تیشه قانون به ریشه آب: تحلیلی پژوهشی بر قانون تعیین تکلیف

چاه‌های آب فاقد پروانه بهره‌برداری»، فصل‌نامه مهندسی آبیاری و آب، سال پنجم، ۱۳۹۳، شماره ۱۸.

کمیسیون پس از وصول مدارک، گزارش مربوط را تهیه و برای اعضای کمیسیون ارسال می‌کند. پس از آن، نمایندگان شرکت آب منطقه‌ای و جهاد کشاورزی عضو کمیسیون فرصت دارند نظر کارشناسی خود را تا ۲۰ روز به دبیرخانه کمیسیون اعلام کنند. در مرحله بعد، دبیرخانه با ارسال گزارش و نظرهای یادشده برای قاضی عضو کمیسیون، پرونده را در نوبت طرح در کمیسیون قرار می‌دهد. کمیسیون با حضور همه اعضا تشکیل می‌شود و قاضی کمیسیون با توجه به نظرهای کارشناسی دو عضو دیگر رأی می‌دهد. دبیرخانه کمیسیون نیز رأی را به شاکی ابلاغ می‌کند. حال اگر ذی‌نفع به رأی کمیسیون، معترض باشد، می‌تواند در مرجع صالح طرح دعوا کند.^۱

ج. ابهام‌های موجود در صلاحیت کمیسیون

اولین ابهام به حدود صلاحیت کمیسیون برمی‌گردد. گروهی بر این اعتقادند که صلاحیت کمیسیون خاص است و تنها به شکایت از آرای کمیسیون رسیدگی به صدور پروانه‌ها رسیدگی می‌کند. گروهی دیگر اعتقاد دارند که صلاحیت کمیسیون عام است و در تبصره ۵ قانون تعیین تکلیف چاه‌های آب فاقد پروانه بهره‌برداری آمده است. طبق این تبصره، به همه اختلافات ناشی از اجرای قانون تعیین تکلیف چاه‌های آب فاقد پروانه بهره‌برداری و قانون توزیع عادلانه آب در این کمیسیون رسیدگی می‌شود. همچنین همه دعاوی مطرح در محاکم دادگستری باید به این کمیسیون ارجاع گردد که منظور از دعاوی، اعم از کشاورزی و دامداری است.^۲

با کمی تأمل در قانون تعیین تکلیف چاه‌های آب فاقد پروانه بهره‌برداری، و تبصره‌های آن می‌توان دریافت که قانون‌گذار برای کمیسیون، اختیاراتی فراتر از صلاحیتش در نظر گرفته است؛ زیرا در تبصره ۵ قانون، رسیدگی به همه اختلافات ناشی از اجرای قانون توزیع عادلانه آب نیز در صلاحیت این کمیسیون قرار دارد. همان‌گونه که روشن است، قانون توزیع عادلانه آب صرفاً به موضوعات آب زیرزمینی نپرداخته، بلکه به مسائل آب سطحی و دیگر موضوعات نیز اشاره کرده است.

با این وضعیت و با توجه به این‌که فلسفه وضع قانون تعیین تکلیف چاه‌های آب فاقد پروانه بهره‌برداری، تعیین تکلیف چاه‌های غیر مجاز است، آیا کمیسیون صلاحیت رسیدگی به موضوعات غیر از آب زیرزمینی مانند آب‌های سطحی را نیز دارد؟ به نظر می‌رسد پاسخ

۱. ویژه و میری، پیشین، ص ۱۲۵.

۲. گزارش «نشست تخصصی قضات دیوان عدالت اداری و اعضای کمیسیون رسیدگی به امور آب‌های زیرزمینی»، تهران،

به این پرسش منفی باشد؛ زیرا این موضوع با فلسفه تأسیس قانون تعیین تکلیف چاه‌های آب فاقد پروانه بهره‌برداری، مغایرت آشکار دارد.^۱

بند دوم. کمیسیون رسیدگی به صدور پروانه‌ها

بر اساس ماده ۳ قانون توزیع عادلانه آب، هر شخص اعم از حقیقی و حقوقی و وزارت‌خانه‌ها و دستگاه‌ها و ارگان‌های دولتی و نهادهای انقلاب اسلامی بخواهند از آب‌های زیرزمینی در هر نقطه از کشور به وسیله حفر چاه یا احداث قنات یا از طریق تعمیق یا تغییر محل چاه‌های موجود و ادامه پیشکار قنات و توسعه چشمه یا طرق دیگر استفاده کند، باید تقاضای کتبی خود را همراه مدارک اثبات‌کننده آن به سازمان‌ها و شرکت‌های آب تابعه وزارت نیروی محل تحویل دهند.

الف. صلاحیت و اختیارات کمیسیون

صلاحیت کمیسیون اعم است از مجموعه تکالیف قانونی که در میان مقررات موجود به صراحت یا به طور ضمنی به عهده کمیسیون نهاده شده است. اختیاراتی که برای رسیدگی به وظایف یادشده در مقررات مربوط برای آن پیش‌بینی گردیده است، عبارتند از:

۱. صدور مجوز بهره‌برداری از منابع آب‌های زیرزمینی؛
۲. بررسی و حل اختلاف در خصوص مسائل حریمی؛
۳. صدور پروانه مصرف بهینه آب برای مصرف‌کنندگان آب کشاورزی؛
۴. صدور پروانه کلیه چاه‌های آب کشاورزی فعال فاقد پروانه؛
۵. تقلیل و ابطال پروانه‌های صادره توسط کمیسیون.^۲

ب. آیین رسیدگی در کمیسیون

بر اساس ماده ۳ قانون توزیع عادلانه آب، هر شخص اعم از حقیقی و حقوقی و وزارت‌خانه‌ها و دستگاه‌ها و ارگان‌های دولتی و نهادهای انقلاب اسلامی بخواهند از آب‌های زیرزمینی در هر نقطه از کشور به وسیله حفر چاه یا احداث قنات یا از طریق تعمیق یا تغییر محل چاه‌های موجود و ادامه پیشکار قنات و توسعه چشمه یا طرق دیگر استفاده کند، باید تقاضای کتبی خود را همراه مدارک اثبات‌کننده آن به سازمان‌ها و شرکت‌های آب تابعه وزارت نیرو تحویل دهد.

۱. نک: ویژه و میری، پیشین.

۲. نک: جعفری ندوشن، علی‌اکبر و امید شیرزاد، «ساختار و صلاحیت مراجع شبه قضایی حقوق آب ایران»، فصل‌نامه حقوق اداری، سال ششم، ۱۳۹۸، شماره ۱۸.

کارشناس ضمن بازدید از محل و بررسی وضع زمینی که تقاضای حفر چاه یا قنات در آن شده و به وسیله مالک یا نماینده معرفی شده از طرف وی ارائه می‌شود، محل مناسبی را حتی‌المقدور با نظر ایشان و رعایت حریم منابع آب اطراف و شناسایی طبقات مختلف زمین و استعداد آب‌دهی و امکان بهره‌برداری متناسب با مساحت اراضی، مشخص و با تعیین عمق چاه و آب‌دهی تقریبی و برآورد هزینه حفر و تجهیز آن، گزارش لازم را همراه با کروکی محل برای اقدام به سازمان متبوع خود تسلیم می‌کند.

کمیسیون رسیدگی به صدور پروانه‌ها پس از وصول پرونده امر و بررسی آن، در صورت موافقت با نظریه کارشناس، مراتب را به شرکت یا سازمان متبوع اعلام می‌کند و گرنه با حضور کارشناس مربوط مجدداً رسیدگی می‌کند و در صورت نیاز، کمیسیون به تشخیص خود، موضوع را به کارشناس یا کارشناسان دیگری ارجاع می‌دهد. در نهایت، با توجه به وضعیت آب‌های زیرزمینی و ضرورت‌های فنی در مورد صدور پروانه حفر و بهره‌برداری تصمیم می‌گیرد.^۱

بند سوم. دلایل نقض آرای صادرشده از مراجع دادرسی آب در دیوان عدالت اداری

با توجه به اصل ۱۷۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نیز بند دوم ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، نظارت قضایی بر آرای صادرشده از مراجع دادرسی آب بر عهده شعب دیوان عدالت اداری قرار دارد.

الف. رسیدگی نشدن به موضوع خواسته در کمیسیون صدور پروانه‌ها و طرح ابتدایی در کمیسیون رسیدگی به امور آب‌های زیرزمینی

بر اساس رأی وحدت رویه شماره ۵۹۰ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، مورخ ۱۳۹۴/۴/۵، پیش از رسیدگی به خواسته در کمیسیون رسیدگی به صدور پروانه‌ها، موضوع ماده ۴ قانون توزیع عادلانه آب، خواسته قابل رسیدگی در کمیسیون رسیدگی به امور آب‌های زیرزمینی نیست. هم‌چنین در ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی قانون توزیع عادلانه آب، مورخ ۱۳۶۳/۸/۱۹ بر این امر تأکید شده است. اگر قبل از طرح پرونده در کمیسیون رسیدگی به صدور پروانه‌ها، کمیسیون رسیدگی به امور آب‌های زیرزمینی وارد رسیدگی شود، این مورد از موارد نقض تصمیم کمیسیون در شعبه‌های دیوان عدالت اداری خواهد بود.

۱. همان، ص ۴۰.

ب. اقدام به پر و مسلوب‌المنفعه کردن چاه بدون حکم قضایی

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری بر اساس دادنامه شماره ۱۴۹ مورخ ۱۳۸۲/۴/۱۵ چنین تصمیم گرفته است: «تفویض مسئولیت حفظ و نظارت بر بهره‌برداری انواع آب‌های سطحی و زیرزمینی به دولت و ضرورت اخذ اجازه از وزارت نیرو، مفید جواز پلمپ منصوبات چاه‌های فاقد پروانه قانونی و مسلوب‌المنفعه نمودن چاه آب یا جمع‌آوری منصوبات چاه‌های آب مجاز که بیش از حد مقرر بهره‌برداری می‌نمایند و انسداد آن توسط وزارت نیرو نمی‌باشد». مطابق نظریه مشورتی شماره ۹۷/۹۵/۷ مورخ ۱۳۹۵/۱/۲۴ اداره حقوقی قوه قضاییه، «با لغو تبصره ۳ ماده ۳ قانون توزیع عادلانه آب، بر اساس قانون الحاق یک ماده به قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین، مصوب ۱۳۸۴ و هم‌چنین عدم پیش‌بینی پر و مسلوب‌المنفعه نمودن چاه‌ها توسط وزارت نیرو، وزارت خانه مزبور نمی‌تواند طبق مقررات فوق‌الذکر، دستور مسدود نمودن چاه‌ها را صادر نماید». بنابراین، بر اساس مقررات بیان‌شده، پیش‌نیاز مسدود کردن چاه، صدور حکم یا دستور مرجع قضایی است و وزارت نیرو نمی‌تواند رأساً نسبت به پر و مسلوب‌المنفعه کردن چاه‌ها اقدام کند. همین امر از ماده ۴۵ قانون توزیع عادلانه آب نیز مستفاد می‌شود. پس اگر کمیسیون رسیدگی به امور آب‌های زیرزمینی بدون صدور حکم مرجع قضایی، به مسلوب‌المنفعه بودن چاه رأی دهد، تصمیم صادرشده از کمیسیون، در شعبه‌های دیوان قابل نقض است.

گفتار سوم. مبانی نظری فلسفه مجازات درباره جرایم آب

در چارچوب پژوهش حاضر، شناخت مبانی نظری فلسفه مجازات^۱ در حوزه آب برای تحقق دو ضرورت تحلیلی، اهمیت بنیادین دارد: نخستین ضرورت، شناخت مناسب‌ترین رویکرد فلسفی مجازات در راستای سیاست‌گذاری راهبردی قضایی درباره کنترل جرایم آب است. دومین ضرورت، ارزیابی نگرش و رویکرد فلسفی قضات محاکم حوزه سیستان در مورد مجازات این جرایم است که نشان دهد تحت تأثیر کدام یک از مکتب‌های فلسفی قرار دارند. بنابراین، راهبرد این پژوهش در تفکیک خوانش فلاسفه در حوزه مجازات جرایم آب، دربرگیرنده تمایز تحلیلی میان سه دیدگاه فلسفی واپس‌نگر^۲، بی‌آمدگرا^۳ و نظریه ترکیبی^۴ است.

1-Philosophy of Punishment.

2-Consequentialist-Non.

3-Consequentialist.

4-Combinatorial.

مکتب پی‌آمدگرایی در توجیه مجازات بر این باور استوار است که مجازات به دنبال تحقق اهدافی مشخص - بازدارندگی، اصلاح، ناتوان‌سازی - در آینده است.^۱ بنتام، از سردمداران این مکتب در رساله «مجازات‌ها و پاداش‌ها» ضمن دفاع از این دیدگاه می‌گوید که انسان، موجودی منفعت‌طلب است که در راستای کسب منفعت بیش‌تر مرتکب جرم می‌شود. مجرم هنگام ارتکاب جرم در مقابل دو امر متضاد قرار می‌گیرد: یا برای جلب منفعت بیش‌تر، جرم مرتکب می‌شود و مجازات را تحمل می‌کند یا از ارتکاب جرم صرف نظر می‌کند و خطر مجازات را می‌پذیرد. بر این اساس، به نظر می‌رسد برای تحقق اهداف پیش‌گیری از جرایم آب باید به گونه‌ای عمل کرد که پاداش و نتیجه حاصل از ارتکاب جرم، کم‌تر از تحمل رنج و مشقت مجازات باشد تا بتواند انگیزه ارتکاب جرم را از میان بردارد.^۲ در تقابل با این نگرش، رویکرد سزاگرایی قرار دارد که می‌گوید طبیعت، نظمی فرابشری دارد و مبتنی بر اصول و مفاهیم اخلاقی است و انسان نیز به حکم فطرت خویش همواره به دنبال دستیابی به این نظم متعالی و تحقق آرمان سعادت برای خود است. بر اساس این دیدگاه نظری، مجازات به خودی خود قبح ذاتی ندارد؛ زیرا ارتکاب رفتارهای مجرمانه، کیان اخلاق و اصول اخلاقی مانند عدالت را مخدوش می‌سازد. عدالت کیفری نیز نظم مختل‌شده را دوباره احیا می‌کند.^۳

اندیشه سزاگرایی بر پایه این استدلال، مجازات را یک اصل اخلاقی برمی‌شمارد و اعتقاد دارد که مجرمان باید متناسب با اشتباه خود محاکمه شوند. با این حال، سزاگرایان بر این نکته مهم و اساسی تأکید می‌ورزند که ممکن است کیفر، پی‌آمدهای مثبت هم داشته باشد، اما هدف از وضع مجازات، فواید حاصل از آن نیست.^۴ دیگر دیدگاه فلسفی درباره مجازات، رویکرد ترکیبی است. در اندیشه این رویکرد، رهیافت‌های سزاگرایی و پی‌آمدگرایی، دو بال نهاد مجازات به شمار می‌روند؛ زیرا مجازات از یک سو، از اصول اخلاقی و هنجارهای اجتماعی پاسداری می‌کند و از سوی دیگر، به دنبال تحقق بخشیدن به اهدافی مشخص در آینده است. بنابراین، کارآمدسازی مجازات به بهره‌گیری هم‌زمان از اصول و مبانی نظریه کارکردگرایی و پی‌آمدگرایی بستگی دارد.

۱. منک: جوان جعفری بجنوردی و فرهادی آلاشتی، پیشین، صص ۲۱۵-۲۴۱.

۲. نک: جاویدی، مجتبی، «بکاریا، از اصالت عقل تا اصالت تجربه: تحلیل معرفت‌شناختی اندیشه‌های کیفری سزار بکاریا»، فصل‌نامه اندیشه دینی، دوره هجدهم، ۱۳۹۷، شماره ۱، صص ۲۱-۴۴.
۳. نک: جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا و سید محمدجواد ساداتی، «دورکهایم و کارکردگرایی در شناخت کیفر»، فصل‌نامه تعالی حقوق، دوره جدید، ۱۳۹۲، شماره ۴، صص ۱۰۱-۱۲۴.

4-Rob, C., "Probation and the philosophy of punishment", Probation Journal, 2018, No. 65 (3), 252_268:www.doi.org/10.1177/0264550518776768

با این حال، شناسایی مناسب‌ترین و کارآمدترین فلسفه کیفر در حوزه جرایم آب، نیازمند تحلیلی واقع‌بینانه از جرم‌انگاری و مجازات‌انگاری‌های صورت‌گرفته در قوانین موجود است. این بررسی به خوبی نشان می‌دهد که قانون‌گذار کدام رویکرد فلسفی را در حوزه مجازات، سرلوحه تعیین اهداف راهبردی قرار داده است. با این رویکرد، به بررسی این نهاد در قانون توزیع عادلانه آب می‌پردازیم.

بند اول. رویکرد فلسفی قانون‌گذار درباره مجازات در جرایم آب

فرآیند کیفرگذاری، یکی از مهم‌ترین مراحل در حوزه جرم‌انگاری جرایم آب به شمار می‌رود؛ چون کیفر باید از ظرفیت لازم برای تحقق اهداف جرم‌انگاری صورت‌گرفته در این حوزه برخوردار باشد. یکی از اهداف جرم‌انگاری در حیطه جرایم آب، پیش‌گیری از این جرایم است. باید بر این نکته تأکید کنیم که ناکامی مجازات در تحقق این هدف از فرآیند جرم‌انگاری جرایم آبی، مدیریت بهینه منابع آب را مختل می‌کند و به گسترش غیر قانونی بهره‌برداری از آن می‌انجامد.

برای تقویت نهاد مجازات در مقابله با جرایم آبی، بررسی و تحلیل علمی ابعاد مختلف آن اجتناب‌ناپذیر است. یکی از راهکارهای بررسی همه‌جانبه این موضوع نیز تحلیل فرآیند مجازات‌انگاری‌های صورت‌گرفته و ابعاد فلسفی آن در قوانین موجود است. با این رویکرد، بررسی فرآیند مجازات‌انگاری جرایم آبی در قانون توزیع عادلانه آب، مصوب ۱۳۶۱ که در حال حاضر، بیش‌ترین کاربرد را در نظام حقوقی کشور دارد، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به شمار می‌رود.

بی‌تردید، اقتضای هرگونه تحلیل برای شناسایی علل نازل بودن کارآمدی مجازات در حوزه جرایم آب، تحلیل فلسفی مجازات‌انگاری‌های صورت‌گرفته در قوانین موجود است؛ چون در گام نخست باید آشکار شود که قانون‌گذار در فرآیند مجازات‌انگاری برای رسیدن به اهداف جرم‌انگاری جرایم آبی به کدام یک از مبانی فلسفی مجازات نظر داشته است. درک این مبانی ممکن است با ناکارآمدی کیفر در کاهش جرایم علیه منابع آب ارتباط مستقیم یا غیر مستقیم داشته باشد.

قانون توزیع عادلانه آب که در راستای اصل ۴۵ قانون اساسی در سال ۱۳۶۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، مبنا و اساس نظام حقوقی آب کشور و قانون حاکم در بخش آب کشور محسوب می‌شود. از این رو، تأمین، انتقال و تخصیص آب برای مصارف مختلف و مدیریت منابع آب کشور به استناد این قانون صورت می‌گیرد.^۱ این قانون بر لزوم

۱. نک: ذوالفقاری، یوسف، حقوق آب، تهران: مجد، ۱۳۹۵.

به‌کارگیری مجازات‌های بدنی به عنوان یک راهبرد در سیاست جنایی تقنینی ایران در برخورد با جرایم آبی تأکید دارد. بررسی مواد این قانون نشان می‌دهد که عمدتاً به مسائل مربوط به مالکیت منابع آب، بهره‌برداری و حفاظت از این منبع ارزشمند پرداخته است^۱ و برقراری نظام توزیع عادلانه آب، راهبرد و هدف اصلی این قانون به شمار می‌رود.^۲ انتظار جامعه از تصویب هر قانونی آن است که تصویب‌کنندگان قوانین، مسیر و سرانجام اجرای آن را ببینند تا ادعای آنان در خصوص در نظر گرفتن همه جنبه‌ها و آثار اجرای این قانون پذیرفتنی باشد.^۳ پژوهش حاضر می‌کوشد مجازات‌انگاری‌های صورت‌گرفته در این قانون را برای مقابله با جرایم آبی که در فصل پنجم این قانون، ذیل ماده ۴۵ پیش‌بینی شده است و نمای کلی از گونه‌های مجازات درباره جرایم آبی کشور را انعکاس می‌دهد، از بعد فلسفه مجازات تحلیل و بررسی کند. این تحلیل، زمینه شناسایی مبانی فلسفی مجازات را در این قانون فراهم می‌سازد.

مجازات تصریح‌شده در ماده ۴۵ که در حقیقت، مکمل جرم‌انگاری صورت‌گرفته در این قانون است، اشعار می‌دارد: «اشخاص زیر علاوه بر اعاده وضع سابق و جبران خسارت وارده به ۱۰ تا ۱۵ ضربه شلاق و یا ۱۵ روز حبس تأدیبی بر حسب موارد جرم به نظر حاکم شرع محکوم می‌شوند.

الف) هر کس عمداً و بدون اجازه، دریچه یا مقسمی را باز کند یا در تقسیم آب تغییری دهد یا دخالت غیر مجاز در وسایل اندازه‌گیری آب کند یا به نحوی از انحاء، امر بهره‌برداری از تأسیسات آب را مختل سازد.

ب) هر کس عمداً آبی را بدون حق یا اجازه مقامات مسئول، به مجاری یا شبکه آبیاری متعلق به خود انتقال کند و یا موجب گردد آب حق دیگری به او نرسد.

ج) هر کس عمداً به نحوی از انحاء به ضرر دیگری، آبی را هدر دهد.

د) هر کس حق دیگری را بدون مجوز قانونی تصرف کند.

ه) هر کس بدون رعایت مقررات این قانون به حفر چاه و یا قنات و یا بهره‌برداری از منابع آب مبادرت کند.

تبصره - در مورد بندهای ب و ج و د، با گذشت شاکی خصوصی، تعقیب موقوف می‌شود.

پیش از تحلیل فلسفی مجازات مندرج در این مقرر قانونی باید گفت که ارزیابی فلسفه

۱. نک: خداخواه، نسیم و امیرحسین نوربخش، **مبانی حقوق آب**، تهران: جاودانه جنگل، ۱۳۹۷.

۲. نک: کریمیان سردشتی، نادر، **دانش‌نامه آب و آب‌شناسی در قرآن کریم**، تهران: بی نا، ۱۳۸۲.

۳. نک: بدیسار، سید ناصرالدین، سید محمد صادق احمدی و مسعود راعی، «**نظام حقوقی آلودگی منابع آب در ایران**»،

تحقیقات منابع آب ایران، دوره سیزدهم، ۱۳۹۶، شماره ۱، صص ۱۱۰-۱۰۱.

وضع مجازات در حوزه کنترل جرایم آبی، یکی از مهم‌ترین مسائلی است که در حذف یک مجازات یا وضع مجازات جدید باید به آن توجه کرد. بی‌تردید، هر گونه تغییر در مجازات‌انگاری جدید درباره جرایم آبی نیازمند آن است که کارنامه روشنی از آثار و نتایج مجازات سابق را در نظر بگیریم. افزون بر آن، باید ارزیابی جدیدی از مجازات جای‌گزین انجام شود. این راهبرد، مطالعات فلسفی ما را در مسیر شناخت آثار کیفیها و میزان موفقیت در دستیابی به اهداف یاری می‌رساند.^۱

پرسش اساسی آن است که نهاد مجازات در قانون توزیع عادلانه آب با کدام یک از مبانی علمی فلسفی مجازات قرابت بیشتری دارد؟ به عبارت دیگر، آیا میزان ۱۰ تا ۱۵ ضربه شلاق یا ۱۵ روز حبس تأدیبی مندرج در ماده ۴۵ این قانون، از رویکرد سزاگرایی پیروی می‌کند یا دنباله‌رو رویکرد فایده‌گرایی است؟

باید اذعان کنیم که توسل قانون‌گذار به مجازات‌های بدنی به عنوان یک سیاست و راهبرد در مقابله با جرایم آبی، قابل دفاع به نظر نمی‌رسد؛ چون وضع مجازات شلاق که مجازات بدنی خوارکننده به شمار می‌رود، حکایت از آن دارد که قانون‌گذار به کارکرد ارعابی، سزادهی و اصلاحی این گونه مجازات نظر داشته است. در حقیقت، قانون‌گذار در وضع این مجازات به علت جرم توجه کافی نداشته است. مجازات شلاق به دلیل آثاری که بر بدن مضروب برجا می‌گذارد، پی‌آمدهای ناگوار جسمانی دارد^۲ که با رویکرد فایده‌گرایی مجازات سنخیت و قرابت ندارد.

مجازات حبس، گونه‌ای دیگر از مجازات است که در این مقرر مشاهده می‌شود. گویا قانون‌گذار با تأکید بر کارکرد تأدیبی آن به دنبال کنترل جرایم آبی از طریق تغییر در شخصیت مجرمان است. با این حال، در این نوع مجازات به گروه‌های هدف که این جرایم را مرتکب می‌شوند، توجه نشده است. بیش‌تر مرتکبان این جرایم، کشاورزانی هستند که با اشتغال در اراضی کشاورزی به دنبال معاش هستند و عمدتاً روحیه جامعه‌ستیزی ندارند. بنابراین، مجازات حبس تعیین‌شده، کارکرد اصلاحی مورد نظر قانون‌گذار را ندارد و حداکثر کارکردی که می‌توان برای آن تصور کرد، کارکرد ناتوان‌سازی موقت مجرمان آب با هدف ممانعت از تکرار جرم است.

۱. نک: مبین، حجت، «جامعه‌شناسی مجازات‌ها، ضرورتی فراموش‌شده»، گواه بهار، ۱۳۸۷، شماره ۱۲، صص ۷۵-۸۰.

۲. نک: مرادی، فرزانه، سید حسین هاشمی، سید محمود میرخلیلی و شهرداد دارابی، «نقش مجازات در پیش‌گیری از جرم بهره‌برداری غیر مجاز از منابع آب زیرزمینی»، مجله آب و فاضلاب، دوره سی‌ام، ۱۳۹۸، شماره ۳.

بند دوم. تحلیل فلسفی مجازات انعکاس یافته در آرای حوزه دشت سیستان

استفاده از ظرفیت مجازات، یکی از ابزارهای فنی و عملیاتی حکمرانی دولت‌ها در حوزه صیانت از منابع آب به شمار می‌رود. در این راستا، ضرورت دارد دستگاه عدالت کیفری به عنوان یکی از ارکان حاکمیت سیاسی کشور، پیش از آن که مقامات قضایی در پرونده‌های مرتبط با جرایم آب، مجازات تعیین کنند، به آموزش و آشناسازی آنان با مبانی جرم‌انگاری و خوانش نظر فلاسفه در حوزه مجازات درباره جرایم آب اهتمام جدی داشته باشد. در بحث از تحلیل فلسفی آرای قضایی مبنی بر این که نهاد مجازات در زمینه جرایم آب، رویکرد سزاگرایانه دارد یا رویکرد پی‌آمدگرایانه، نیازمند نمونه‌هایی از دادنامه‌های کیفری مرتبط با این جرایم هستیم. از این رو، آرای بیش‌تر شعبه‌های کیفری حوزه دشت سیستان بررسی شد. در مجموع، ۴۳ پرونده ثبت‌شده از سال ۱۳۹۵ تا فروردین ۱۴۰۰ گردآوری گردید. گفتنی است یکی از علل پایین بودن میزان پرونده‌های مرتبط با آب به نوع نگرش جامعه محلی سیستان به این مقوله بازمی‌گردد. مرتکبان این جرایم عموماً جرایم آب را بدون قربانی و بزه‌دیده تصور می‌کنند. این نگاه حتی از طرف بزه‌دیدگان جرایم آب نیز ممکن است مشاهده شود که خود را بزه‌دیده این جرایم نپندارند. دورنمای چنین نگرشی، مطرح نشدن دعوا از جانب شاکی خصوصی است، به ویژه اگر این جرایم در فهرست جرایم قابل گذشت تعریف شده باشد.

مجازات انعکاس یافته در این آرا، برساخته نگرش فلسفی قضات در مقابله با جرایم آب دانسته شده و کانون اصلی تحلیل‌ها بر اهداف مصرّح این نهاد تمرکز یافته است. این ارزیابی‌ها، بازتابی از جنبه‌های ذهنی دادرسان در حوزه صیانت از منابع آب تلقی می‌شود. از این رو، در نوع خود ارزشمندند؛ زیرا نتایج این قبیل تحلیل‌ها، به شکل مؤثری در زمینه آموزش نیروی انسانی، سیاست‌گذاری قضایی و قانونی اثرگذار خواهد بود. با این حال، مجازات انعکاس یافته در آرای قضایی جرایم آب حوزه دشت سیستان، تلفیقی از مبانی اندیشه فلسفی مقامات قضایی در زمینه کیفر و اختیارات قانونی اعطاشده به آنان به شمار می‌رود. از این رو، بر اساس مبانی نظری فلسفه پی‌آمدگرایی و فلسفه سزاگرایی می‌توان اهداف فلسفی مجازات‌های تعیین‌شده را تفکیک کرد.

در مطالعه حاضر، معیار فایده‌گرایی مجازات بر مبنای شاخص افزایش هزینه‌های جرم - جبران خسارت، مجازات، پرداخت هزینه‌های استفاده از منابع آب و پیش‌بینی اصلاح بزه‌کار - در مقابل منافع حاصل از جرم، تعیین و معیار سزاگرایی مجازات بر اساس مفهوم بنیادین «مجازات استحقاقی» یعنی صرفاً تعیین کیفر در نظر گرفته شده است.

الف. رویکرد افزایش هزینه در جرایم آب

مجازات در تغییر محاسبات ذهنی مرتکبان نقش کلیدی ایفا می‌کند. از این رو، مقامات قضایی باید به اصل واقع‌بینی مجازات که یکی از اصول مهم در مباحث نظری در قلمرو فلسفه کیفر به شمار می‌رود، توجه لازم را داشته باشند.^۱ مقصود از این اصل بر اساس مبانی دیدگاه فایده‌گرایانه آن است که نوع، میزان و کیفیت اجرای مجازات جرایم آب باید به گونه‌ای باشد که رنج حاصل از تحمیل آن بر منافع اکتسابی غلبه پیدا کند.

در چارچوب تقویت این دیدگاه، مکتب اصالت فایده بیان می‌دارد که جرم، عملی انتخابی و فرآیند تصمیم‌گیری برای ارتکاب آن مبتنی بر محاسبات هزینه - فایده است^۲ و مرتکبان با سبق تصمیم و محاسبه سود - زیان به جرم دست می‌زنند. بررسی برخی مقررات کیفری این حوزه نیز نشان می‌دهد قانون‌گذار به مبانی این دیدگاه اشراف علمی داشته است. برای نمونه، در ماده ۴۵ قانون توزیع عادلانه آب مقرر داشته است: «اشخاص زیر علاوه بر اعاده وضع سابق و جبران خسارت وارده به ۱۰ تا ۵۰ ضربه شلاق و یا از ۱۵ روز تا سه ماه حبس تأدیبی بر حسب موارد جرم به نظر حاکم شرع محکوم می‌شود».

به نظر می‌رسد که رویکرد فایده‌گرایی در تعیین مجازات در این ماده، هدفمندانه طراحی نشده است؛ زیرا مجازات‌های سالب آزادی و بدنی، بیش‌تر نتایج ارباب‌آمیز دارد. البته واقعیت آن است که تعیین این نوع از مجازات با عنایت به زمان تصویب این قانون در سال ۱۳۶۳ تحت تأثیر وضعیت سیاسی حاکم بر کشور در دوران ابتدای انقلاب بوده است و در آن دوره، بیش‌تر مجازات‌ها بر پایه حبس و شلاق تعیین می‌شد.

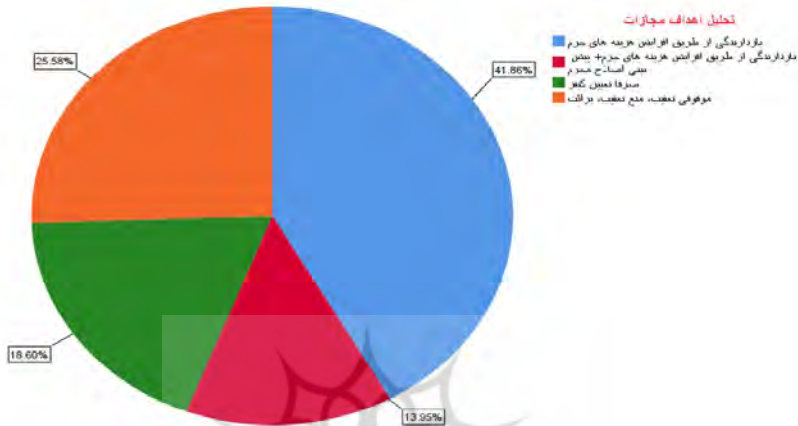
تحلیل‌های مربوط به فعالیت بزه‌کاران این حوزه نشان می‌دهد این جرایم ماهیت اقتصادی دارند. پس مجازات باید به شکلی هوشمندانه، هزینه‌های اقتصادی ارتکاب جرم را افزایش دهد. نکته دیگر، وجود اصطلاح «حبس تأدیبی» در این مقرر قانونی است که در رویکرد فایده‌گرایی به مجازات مصداق پیدا می‌کند. هدف تأدیبی پس از اعمال مجازات و در آینده تحقق می‌یابد. با این حال، چون یکی از ابعاد پژوهش حاضر، تحلیل آرای قضایی حوزه سیستم در پیوند با رویکرد فلسفی مجازات در جرایم آب است، پس از تبیین داده‌های میدانی به تحلیل آن می‌پردازیم.

۱. نک: شاه‌ملک‌پور خشک‌بیجاری، حسن، «فلسفه تنوع ضمانت اجراها در قتل از منظر سیاست کیفری اسلام»،

پژوهش‌نامه حقوقی، دوره اول، ۱۳۹۰، شماره ۲، صص ۷۷-۵۷.

۲. نک: جوان جعفری بجنوردی و فرهادی، پیشین.

اعمال مجازات‌های کیفری و اداری به مثابه ابزار مدیریت منابع آب (مطالعه موردی آبیاری نوین دشت سیستان)



نمودار شماره ۱ - تحلیل اهداف مجازات جرایم آب در دشت سیستان

در نمودار دایره‌ای شکل شماره ۱، تحلیل اهداف مجازات جرایم آب در حوزه سیستان بر اساس مجموعه داده‌های این تحقیق آمده است. با عنایت به درصد فراوانی داده‌ها، فلسفه پی‌آمدگرایی با شاخص افزایش هزینه‌های ارتکاب جرم در مقابل منافع حاصل از آن، به میزان بیش از ۴۱ درصد، بیش‌ترین رویکرد فلسفی مجازات را به خود اختصاص داده است. برای نمونه، دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۸۵۴۷۸۹۰۱۹۸۰ مورخ ۱۳۹۹/۱/۳۱، صادرشده از شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری شهر زابل با موضوع اتهام استفاده غیر مجاز از تأسیسات آب نشان می‌دهد که دادگاه علاوه بر جبران خسارت، متهم را به جزای نقدی در حق صندوق دولت محکوم کرده است. ترکیبی از جبران خسارت و جزای نقدی در راستای افزایش هزینه‌های جرم مطابق با فلسفه پی‌آمدگرایی، قابل تحلیل و ارزیابی است.

دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۵۴۴۰۶۰۱۲۳۰ مورخ ۱۳۹۹/۹/۲۹، صادرشده از شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهر زهک با موضوع اتهام دخالت غیر قانونی در تأسیسات آب، حکایت از آن دارد که دادگاه، رویکرد فایده‌گرایی را در زمینه مجازات پی گرفته؛ زیرا محکوم علیه را علاوه بر جبران خسارت، به پرداخت مبلغ بهای خدماتی و جزای نقدی در حق دولت محکوم کرده است. این حکم به وضوح نشان می‌دهد که پیش‌فرض ذهنی قاضی صادرکننده بر محور

نظریه عقلانیت مجرم قرار دارد؛ زیرا مجازات تعیین شده با هدف افزایش هزینه‌های ارتکاب جرم در مقابل منافع آن صورت پذیرفته است.

به نظر می‌رسد دلیل تمایل بیش‌تر قضات حوزه دشت سیستان برای صدور مجازات جزای نقدی و جبران خسارت در گونه‌های مختلف جرایم آب، ناشی از سیاست‌های کلی نظام قضایی در راستای حبس‌زدایی است. علاوه بر این، پای‌بندی به اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اختیارات مقامات قضایی را به تعیین مجازات مقرر و جبران خسارت قانونی محدود کرده است.

به این ترتیب، اگر اهتمام حاکمیت در حوزه مجازات‌های مرتبط با جرایم آب، رویکرد افزایش هزینه‌های جرم در مقابل با منافع آن تعریف شده باشد، در گام نخست باید منافع حاصل از این جرایم یعنی میزان برداشت آب، خسارت تخریب شبکه، برآورد هزینه‌های رفع آلودگی از منابع آب و مواردی از این قبیل، به صورت دقیق با جلب نظر کارشناسان دادگستری مشخص شود. در گام بعدی، با اصلاح قوانین باید میزان جزای نقدی، حداقل دو برابر منافع حاصل تعیین گردد. در واقع، موفقیت رویکرد فایده‌گرایی مجازات به جرایم آب به تعیین معیار میزان ضرر به منابع آب وابسته است.

علاوه بر این، فلسفه پی‌آمدگرایی با شاخص اصلاح مجرمان به میزان بیش از ۱۳ درصد، یکی دیگر از درصد فراوانی‌های نگرش فایده‌گرایانه در آرای قضایی است. چنان‌که مشاهده می‌شود، این آراء، بازتاب‌دهنده گفتمان اندیشه محاکم در مباحث جاری درباره اهداف مجازات با محوریت پیش‌بینی اصلاح مجرمان در حوزه جرایم آب است. برای مثال، دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۵۴۴۰۶۰۳۱۰ مورخ ۱۳۹۵/۵/۲۱، صادرشده از شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهر زهک با موضوع اتهام انشعاب غیر مجاز آب، با بحث فلسفه پی‌آمدگرایی با هدف اصلاح ارتباط دارد؛ زیرا دادگاه به صراحت، هدف از تعلیق مجازات تعیین‌شده را اظهار ندامت محکوم و پیش‌بینی اصلاح مرتکب اعلام کرده است.

این توجیه‌ها نشان می‌دهد برخی محاکم، رویکرد فایده‌گرایی در حوزه جرایم آب را بر مبنای معیار پیش‌بینی اصلاح مجرمان، شاخص قرار داده‌اند. به این ترتیب، عملکردهای متفاوت محاکم با رویکرد فلسفی واحد، تحقق مزایای مورد نظر از این نهاد را به شدت کاهش می‌دهد. این مسئله یعنی در پیش گرفتن رویکردی واحد با معیارهای متفاوت، پیامی نامناسب در خصوص اهمیت هنجارهای مرتبط با جرایم آب به جامعه مخابره می‌کند. هم‌چنین در پیش گرفتن معیارهای دوگانه سبب افزایش احساس ناعدالتی درباره رسیدگی به جرایم آب در حوزه دشت سیستان خواهد شد که به گسترش جرایم آب به بهانه احقاق حق می‌انجامد.

ب. رویکرد تنبیهی درباره جرایم آب

به موازات رویکرد افزایش هزینه‌های جرم، برخی محاکم حوزه دشت سیستان، نگرش تنبیهی در زمینه جرایم آب دارند. این رویکرد که در مبانی اندیشه سزاگرایی ریشه دارد، به دنبال احیای هنجارهای اخلاقی در مورد جرایم آب است و برای رسیدن به این هدف بر معیار «استحقاق مجرمانه» تأکید دارد. مقصود از این معیار آن است که بزه‌کار تنها درباره آن چه مستحق است، کیفر ببیند.^۱

با این حال، تحقق هر چه بهتر اهداف فلسفی این رویکرد، نیازمند توجه به پیششرط‌های لازم در خصوص شاخص‌های مناسب برای معیار استحقاق مجرمانه است. این مؤلفه‌ها که بیانگر ویژگی‌های مجازات عادلانه هستند، عبارتند از:

یک - کسانی که از نظر اخلاقی، مرتکب جرایم می‌شوند، سزاوار تحمل مجازات متناسبند؛

دو - مجازات مجرمان از نظر اخلاقی ذاتاً خوب است؛

سه - از نظر اخلاقی، تحمیل مجازات نامتناسب، عمل قبیح محسوب می‌شود و خاطیان باید مجازات شوند.

در همین راستا، کانت عقیده داشت «این وظیفه مردم است که در برابر مجازات غیر قابل تحمل حاکم ستمگر مقاومت کنند».^۲ در واقع، در این رویکرد، دادگاه صرفاً به دنبال مجازات کردن مجرم به دلیل ارتکاب جرم است. البته ممکن است به دنبال مجازات، برخی از نتایج دیگر مانند اصلاح بزه‌کار و پیش‌گیری از جرایم آب نیز محقق شود، اما این نتایج، هدف مجازات نخواهد بود.

با این مقدمه باید اشاره کنیم که بیش از ۱۸ درصد فراوانی مجازات‌های صادرشده صرفاً به تعیین کیفر پس از احراز مجرمیت اختصاص یافته است. برای نمونه، دادگاه در دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۵۴۷۷۸۰۰۱۶۰ مورخ ۱۳۹۹/۱/۳۱ صادرشده از شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری دو زابل با موضوع اتهام استفاده غیر مجاز از تأسیسات آب، مجرم را به پرداخت جزای نقدی در حق دولت محکوم کرده است. در واقع، دادگاه در واکنش به ارتکاب جرم اتهامی، مجرم را مستحق جزای نقدی دانسته است.

۱. نک: جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا و سید محمدجواد ساداتی، «سزاگرایی در فلسفه کیفر»، پژوهش‌نامه

حقوق کیفری، دوره سوم، ۱۳۹۱، شماره ۱، صص ۵۹-۸۱.

2-Richard, R. & E. Kania, "Philosophies of Punishment", Wiley online library, 2015:www.doi.

.org/10.1002/9781118519639.wbecpx258

۳. شاه‌ملک‌پور خشک‌بیجاری، پیشین.

در خصوص این رویکرد تنبیهی، بیان دو نکته اهمیت دارد:
نخست - صرف مجازات کردن، مانع از رعایت اصل واقع‌بینی در تعیین کیفر خواهد بود؛^۳
چون هدف از مجازات در حوزه آب، صیانت و مدیریت مناسب بهینه این منابع برای دسترسی
عموم جامعه به آب به عنوان یک حق بشری است.
دومین - به باور اندیشه سزاگرایی، مجازات می‌خواهد با وجدان اخلاقی جامعه ارتباطی
عمیق برقرار کند.^۱
در حوزه سیستان به دلیل فقر حاکم بر منطقه که در سیاست‌های نادرست در حوزه‌های
مختلف از جمله آب ریشه دارد، تحمیل مجازات بدون توجه به وضعیت اجتماعی این منطقه
سبب فاصله گرفتن از وجدان جمعی می‌شود.



۱. جوان جعفری بجنوردی و ساداتی، پیشین.

نتیجه‌گیری

هدف اصلی از بررسی و تحلیل فلسفی مجازات انعکاس‌یافته در آرای قضایی صادرشده درباره جرایم آب، تقویت ظرفیت‌ها و افزایش مبانی علمی مقامات قضایی در رسیدگی به پرونده‌های جرایم آب در منطقه دشت سیستان است. در این راستا، تأمل در خوانش نگاه فلسفی در زمینه نهاد مجازات گویای آن است که دانش فلسفه در عرصه مجازات، نگرش‌های متفاوت دارد. سیاست‌های قضایی نیز از نوع نگرش فلسفی قانون‌گذار درباره جرایم آبی اثر می‌پذیرد.

رهیافت‌های حاصل از این نگرش‌ها از یک سو در قالب فلسفه پی‌آمدگرایی جلوه‌گر می‌شوند که مجازات را ذاتاً قبیح می‌پندارد و بر این پندار استوار است که آن‌چه باعث مجاز شمردن این نهاد در حوزه جرایم آب می‌شود و دستگاه قضایی بر بهره‌گیری از آن تأکید می‌ورزد، در حقیقت، تحقق فوایدی است که در افق آینده از مجازات انتظار می‌رود. برجسته‌ترین این فواید عبارتند از: پیش‌گیری از ارتکاب جرایم آب با افزایش هزینه‌های جرم، اصلاح بزه‌کاران و دیگر موارد.

در مقابل، رویکرد سزاگرایی در خصوص ماهیت مجازات در جرایم آب قرار دارد که بیان می‌کند مجازات به احیای ارزش‌های اخلاقی در حوزه صیانت از منابع آب می‌انجامد؛ چون ذاتاً دارای حسن است. بنابراین، هدف از اعمال کیفر، فواید احتمالی حاصل از آن نیست، بلکه احیای ارزش‌های مورد احترام جامعه است.

با این حال، انتخاب مناسب‌ترین رویکرد فلسفی، با حداقل هزینه‌های اجتماعی و حداکثر کارآمدی در صیانت از منابع آب، نیازمند درک هوشمندانه مبانی نظری فلسفه کیفر در این راستاست. درک مبتنی بر پیوند مبانی علمی و پژوهش‌های میدانی، بر هم‌کنش متقابل میان مبانی علمی قضات و عملکرد دستگاه عدالت کیفری در مبارزه با این جرایم اثر خواهد گذاشت.

پژوهش حاضر برای نخستین بار به تحلیل فلسفه مجازات جرایم آب در آرای قضایی حوزه دشت سیستان پرداخته است. بررسی نمونه آرای این حوزه نشان می‌دهد که عموماً فلسفه مجازات بر اساس مبانی علمی قضات و اختیارات قانونی اعطاشده در دو رویکرد فایده‌گرایی و سزاگرایی انعکاس یافته است. این پژوهش، نقاط مبهم و پیچیده در عملکرد دستگاه قضایی حوزه سیستان را در زمینه مجازات جرایم آب آشکار ساخت. برای نمونه، از آن میان می‌توان به نبود انسجام فکری مقامات قضایی شعبه‌های مختلف برای در پیش گرفتن رویکردی واحد در زمینه فلسفه مجازات اشاره کرد. پی‌آمد این پراکندگی در مبانی فکری آن است

که صیانت از منابع آب از طریق ظرفیت نهاد مجازات با دشواری روبه‌رو شود. نتایج حاصل از تحلیل فلسفی مجازات در قانون توزیع عادلانه آب به وضوح نشان داد که قانون‌گذار از طریق ارباب ناشی از تحمیل مجازات خوارکننده شلاق و هم‌چنین مجازات حبس کوتاه‌مدت به دنبال اصلاح بزه‌کاران جرایم آبی است. این سبک از فرآیند مجازات‌انگاری با رویکرد فایده‌گرایی در فلسفه مجازات قرابت دارد. با این حال، امکان‌سنجی تحقق این اهداف در حوزه دشت سیستان نشان می‌دهد اساساً مرتکبان جرایم آبی در طرح ۴۶ هزار هکتاری، کشاورزان هستند که روحیه جامعه‌ستیزی ندارند. تحمیل مجازات خوارکننده شلاق برای کسانی که بنا بر اعتقادات دینی، آب را نعمت خداوند می‌دانند و برای امرار معاش به دنبال زراعت هستند، نمی‌تواند بازدارندگی ایجاد کند. از طرفی، اعمال مجازات حبس نیز در کوتاه‌مدت، کارکرد اصلاحی ندارد و حداکثر عملکرد آن، ناتوان‌سازی مرتکب از تکرار جرایم آبی در کوتاه‌مدت خواهد بود.

در حوزه دادرسی اداری نیز باید گفت از اقدامات مثبت قانون‌گذاری در دهه ۱۳۸۰، تصویب قوانینی در مورد بهره‌برداری از آب‌های زیرزمینی است که به حفظ سفره‌های آب زیرزمینی کمک شایانی می‌کند. پیش‌بینی دادرسی اداری در حوزه آب این فایده را دارد که علاوه بر جلوگیری از ورود و تشکیل پرونده‌های متعدد در دادگستری سبب می‌شود رسیدگی به دعاوی موضوع قانون، به صورت تخصصی و با حضور نمایندگان سازمان جهاد کشاورزی و شرکت آب منطقه‌ای استان به عنوان اعضای فنی کمیسیون و با حضور قاضی واجد شرایط و انشای رأی از جانب وی صورت گیرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

۱. فارسی

الف) کتاب

۱. ابوالحمد، عبدالحمید، **حقوق اداری: سازمان‌های اداری ایران (جلد ۱)**، تهران: دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۵۱.
۲. آشوری، محمد، **آیین دادرسی کیفری (جلد ۱)**، تهران: سمت، چاپ دهم، ۱۳۸۳.
۳. خداخواه، نسیم و امیرحسین نوربخش، **مبانی حقوق آب**، تهران: جاودانه جنگل، ۱۳۹۷.
۴. ذوالفقاری، یوسف، **حقوق آب**، تهران: مجد، ۱۳۹۵.
۵. رشیدی جهان‌آباد، رشید، **مراجع شبه قضایی**، تهران: مجد، ۱۳۹۵.
۶. رشیدی، حمید، **قانون توزیع عادلانه آب در آیین حقوق ایران (جلد ۱)**، تهران: دادگستر، ۱۳۹۸.
۷. روزه، پرو، **نهادهای قضایی فرانسه**، ترجمه: شهرام ابراهیمی، عباس تدین و غلام‌حسین کوشکی، تهران: سلسبیل، ۱۳۸۲.
۸. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، **حقوق اداری**، تهران: سمت، ۱۳۸۷.
۹. کریمیان سردشتی، نادر، **دانش‌نامه آب و آب‌شناسی در قرآن کریم**، تهران: بی‌نا، ۱۳۸۲.
۱۰. محسن‌زاده، احمد و نادر ساعد، **حقوق محیط زیست: نظریه‌ها و رویه‌ها**، تهران: خرسندی، ۱۳۸۸.
۱۱. مولایگی، غلام‌رضا، **صلاحیت و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری**، تهران: جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۱۲. نوگلی، جمال، **مالکیت حق‌آبه و منابع آبی ایران**، تبریز: یانار و آیدین، ۱۳۹۵.
۱۳. هداوند، مهدی و مسلم آقایی طوق، **دادگاه‌های اختصاصی اداری**، تهران: خرسندی، ۱۳۸۹.

ب) مقاله

۱. ارشدی، محمدیار، «نقش قوه قضاییه هند در حفاظت از محیط زیست»، مجله مدرس علوم انسانی، دوره نهم، ۱۳۸۴، شماره ۳.
۲. امامی، محمد و سید نصرالله موسوی، «مبانی نظری مراجع شبه قضایی و جایگاه

۴۱. آن‌ها در حقوق ایران»، مجله مطالعات حقوقی شیراز، دوره بیست و یکم، ۱۳۸۳، شماره ۴۱.
۳. بخشی جهرمی و همکاران، «تیشه قانون به ریشه آب: تحلیلی پژوهشی بر قانون تعیین تکلیف چاه‌های آب فاقد پروانه بهره‌برداری»، فصل‌نامه مهندسی آبیاری و آب، سال پنجم، ۱۳۹۳، شماره ۱۸.
۴. بدیسار، سید ناصرالدین، سید محمد صادق احمدی و مسعود راعی، «نظام حقوقی آلودگی منابع آب در ایران»، تحقیقات منابع آب ایران، دوره سیزدهم، ۱۳۹۶، شماره ۱، صص ۱۱۰-۱۰۱.
۵. جاویدی، مجتبی، «بکاریا، از اصالت عقل تا اصالت تجربه: تحلیل معرفت‌شناختی اندیشه‌های کیفی سزار بکاریا»، فصل‌نامه اندیشه دینی، دوره هجدهم، ۱۳۹۷، شماره ۱، صص ۲۱-۴۴.
۶. جعفری ندوشن، علی‌اکبر و امید شیرزاد، «ساختار و صلاحیت مراجع شبه قضایی حقوق آب ایران»، فصل‌نامه حقوق اداری، سال ششم، ۱۳۹۸، شماره ۱۸.
۷. جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا و زهرا فرهادی آلاشتی، «تأملی بر خوانش فیلسوفان اصالت فایده از بازدارندگی کیفر مرگ»، مجلس و راهبرد، دوره بیست و ششم، ۱۳۹۸، شماره ۱۰۰، صص ۲۱۵-۲۴۱.
۸. جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا و سید محمدجواد ساداتی، «دورکهایم و کارکردگرایی در شناخت کیفر»، فصل‌نامه تعالی حقوق، دوره جدید، ۱۳۹۲، شماره ۴، صص ۱۲۴-۱۰۱.
۹. جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا و سید محمدجواد ساداتی، «سزاکرایی در فلسفه کیفر»، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، دوره سوم، ۱۳۹۱، شماره ۱، صص ۵۹-۸۱.
۱۰. حسینی، سید حسین و حسن یوسفی، «درآمدی بر حمایت کیفری از حقوق آب»، فصل‌نامه آب و توسعه پایدار، دوره پنجم، ۱۳۹۷، شماره ۱.
۱۱. سالاری، فاطمه، مهدی قربانی و آرش ملکیان، «پایش اجتماعی شبکه ذی‌نفعان در حکمرانی محلی منابع آب (منطقه مورد مطالعه: حوضه آب خیزر زین، شهرستان کرمانشاه)»، نشریه مرتع و آب‌خیزداری، دوره شصت و هشتم، ۱۳۹۴، شماره ۲.
۱۲. شاه‌ملک‌پور خشک‌بیجاری، حسن، «فلسفه تنوع ضمانت اجراها در قتل از منظر سیاست کیفری اسلام»، پژوهش‌نامه حقوقی، دوره اول، ۱۳۹۰، شماره ۲، صص ۷۷-۵۷.
۱۳. شعبانی، یاور، «چیستی مراجع شبه قضایی در آرای هیئت عمومی دیوان عدالت اداری»، فصل‌نامه جستارهای حقوق عمومی، سال اول، ۱۳۹۶، شماره ۳.
۱۴. شهباز بیگیان، محمدرضا و علی باقری، «تحلیل سیستمی آسیب‌پذیری

- دشت سیستان به کاهش منابع آب: ارائه گزینه‌های سیاستی با رویکرد برگشت‌پذیری»، تحقیقات منابع آب ایران، دوره دوازدهم، ۱۳۹۵، شماره ۱، صص ۴۰-۵۵.
۱۵. عرب‌پور، امیرحسین، «ارائه الگوی حکمرانی آب مبتنی بر بازاریابی اجتماعی در راستای تغییر رفتار مصرفی آب»، فصل‌نامه مجلس و راهبرد، سال بیست و هشتم، ۱۳۹۲، شماره ۱۰۶.
۱۶. عسکری بزایه، فاطمه، «حکمرانی آب: مروری بر مفاهیم، چالش‌ها، ابزارها و تدابیر نهادی»، نشریه مدیریت آب در کشاورزی، ۱۳۹۵، شماره ۱.
۱۷. فریادی، مسعود، «نقش حقوق عمومی در کنترل مصرف آب»، فصل‌نامه مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره دهم، ۱۳۹۷، شماره ۱.
۱۸. قائمی، آلاله، مریم لاریجانی، سید محمد شبیری و محمدرضا سرمدی، «ارائه مدل مفهومی حکمرانی پایدار در مدیریت به هم پیوسته منابع آب کشور با تأکید بر آموزش و ظرفیت‌سازی»، مجله آب و فاضلاب، دوره بیست و هشتم، ۱۳۹۶، شماره ۴.
۱۹. قنبری، احمد، علی‌رضا کرباسی، احمد احمدیان و حسین قاسمی، «نگرشی بر مدیریت بحران آب در سیستان»، کنفرانس بین‌المللی بحران آب، ۱۳۸۷.
۲۰. کشاورز، اسدالله، محمد آشوری، محمدعلی مهدوی ثابت و شهرام ابراهیمی، «تحلیلی بر توسعه متوازن مناطق آبی کشور با تأکید بر گذر جرم‌انگاری و استفاده غیر مجاز از منابع آب»، فصل‌نامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال نهم، ۱۳۹۸، شماره ۳۶.
۲۱. گسن، رمون، «ملاحظه‌هایی درباره هدف آیین دادرسی کیفی»، ترجمه: شهرام ابراهیمی، مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۸۵، شماره ۵۶.
۲۲. مبین، حجت، «جامعه‌شناسی مجازات‌ها، ضرورتی فراموش‌شده»، گواه بهار، ۱۳۸۷، شماره ۱۲، صص ۷۵-۸۰.
۲۳. مرادی، فرزانه، سید حسین هاشمی، سید محمود میرخلیلی و شهرداد دارابی، «نقش مجازات در پیش‌گیری از جرم بهره‌برداری غیر مجاز از منابع آب زیرزمینی»، مجله آب و فاضلاب، دوره سی‌ام، ۱۳۹۸، شماره ۳.
۲۴. معمارزاده، غلام‌رضا، جواد جاسبی و ندا نفری، «حکمرانی خوب: اکولوژی متعادل»، مجله آینده‌پژوهی مدیریت، دوره بیست و یکم، ۱۳۸۹، شماره ۱.
۲۵. نجابت‌خواه، مرتضی، «چالش فراروی جایگاه حقوقی دیوان عدالت اداری در حل و فصل اختلافات در حوزه آب»، فصل‌نامه مطالعات حقوق انرژی، دوره سوم، ۱۳۹۶، شماره ۱.
۲۶. وحید، مجید و محسن رنجبر، «آسیب‌شناسی بعد سیاسی حکمرانی آب در ایران»، فصل‌نامه سیاست‌گذاری عمومی، دوره چهارم، ۱۳۹۷، شماره ۴.

۲۷. ویژه، محمدرضا و مسلم میری، «دادرسی آب در کمیسیون رسیدگی به امور آب‌های زیرزمینی: چالش‌ها و راهکارها»، مجله مطالعات حقوق انرژی، دوره سوم، ۱۳۹۶، شماره ۱.

۲۸. هاشمی، سید محمد، «حمایت‌ها و تضمینات حقوق بشر در حقوق داخلی و نظام بین‌المللی»، مجله تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲، شماره ۳۸.

ج) دیگر منابع

۱. گزارش «نشست تخصصی قضات دیوان عدالت اداری و اعضای کمیسیون رسیدگی به امور آب‌های زیرزمینی»، تهران، ۱۳۹۴.
۲. مهندسین مشاور آب‌کاوش سرزمین، طرح آبیاری نوین دشت سیستان (رویکرد اجتماعی طرح)، تهران: معاونت آب و خاک وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۹۸.
۳. مهندسین مشاور آب‌کاوش سرزمین، گزارش مطالعات اجتماعی و نظام بهره‌برداری سازمان بهره‌برداری طرح انتقال آب به اراضی دشت سیستان، ۱۳۹۶.

2-Latin Source

- 1-On SiStan rural 1377-Biek Mohammadi, H. & H. Noori, "Droughts effects Between 83 & strategies to cope with", Geographics and Development Journal, 2007, No. 40, 119_197
- 2-Richard, R. & E. Kania, "Philosophies of Punishment", Wiley online library, 2015:www.doi.org/10.1002/9781118519639.wbecpx258
- 3-Rob, C., "Probation and the philosophy of punishment", Probation Journal, 2018, No. 65 (3), 252_268:www.doi.org/10.1177/0264550518776768

Imposition of criminal and administrative penalties as a tool for water resources management (Case study of modern irrigation in Sistan plain)

Saeed Gohari *

Seyed Hossein Hosseini**

Abdolreza Javan Jafari Bojnordi***

Abstract:

Punishment reflected in judicial rulings is one of the tools of government governance in the field of protection and management of water resources in the new irrigation plan of the crisis-stricken plain of Sistan. In this regard, the explanation and analysis of the philosophical approach of the penitentiary institution clearly shows the strengths and weaknesses of the judiciary in dealing with water crimes. The results of this study, which was conducted by descriptive-inferential analysis, indicate that some courts have used the utilitarian approach and others the punitive approach in the prescribed punishments. However, the consequence of this dichotomy in the philosophical approach has rendered the policies of the justice system in the protection of water resources ineffective. The results of this study show that any amount of punishments determined by the general expectations of the local community and the capacity for a culture of compromise in resolving disputes between water resources stakeholders in this project, in addition to the capacity of religious teachings to pay less attention to the inefficiency of punishment. Will lead to water crimes.

Keywords: water crimes, philosophy of consequentialism, philosophy of punishment, prevention of water crimes.

*. PhD student in Criminal Law and Criminology, Ferdowsi University, Mashhad, Iran. sagohari64@gmail.com

** . Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Ferdowsi University, Mashhad, Iran. (Corresponding Author). shosseini@um.ac.ir

***. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Ferdowsi University, Mashhad, Iran. javan-j@um.ac.ir